

بلوار دانشجو

جالش‌های چند جانبه دانشجویان در پی جنگ

تعویق فارغ‌التحصیلی

محمد رضا بهرائوند

حمله نظامی اسرائیل به کشور در روزهای پایانی خردادماه، هم‌زمان با آماده‌سازی دانشگاه‌ها برای برگزاری امتحانات پایان‌ترم، فضای آموزشی کشور را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه کرد. این حملات در شرایطی رخ داد که دانشگاه‌ها در اوج برنامه‌ریزی‌های فشرده تحصیلی قرار داشتند و بسیاری از دانشجویان، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، در حال آماده‌سازی نهایی پروژه‌ها و پایان‌نامه‌های خود بودند. تهدیدات نظامی اسرائیل نه‌تنها آرامش دانشگاه‌ها را برهم زد، بلکه برنامه‌ریزی‌های تحصیلی ده‌ها هزار دانشجو را در سراسر کشور تحت تأثیر قرار داد. در پی این بحران، اغلب مراکز آموزش عالی تصمیم گرفتند آزمون‌های پایان‌ترم را به تعویق بینازند و فقط تعداد محدودی از دانشگاه‌های آزاد، با اتکا به زیرساخت‌های مجازی که از پیش آماده شده بود، امتحانات را به صورت آنلاین برگزار کردند.



دانشجویان در فضای سبز

از تعلیق آزمون‌ها تا سردرگمی خوابگاه‌ها

هم‌زمان با پایان جنگ، سیمایی صراف، وزیر علوم، در بیانیه‌ای رسمی از طریق صدواسیمیا اعلام کرد تمام امتحانات پایان‌ترم تا شهریورماه به تعویق خواهد افتاد و برگزاری آزمون‌ها به صورت مجازی به‌هیچ‌وجه مجاز نیست. بلافاصله پس از اعلام آتش‌نیز بی با صدور بخش‌نامه‌ای با هدف «حفظ آرامش روانی دانشجویان و کاهش نگرانی خانواده‌ها» بر این تصمیم تأکید شد. با این حال، این تصمیم با واکنش‌های متفاوتی از سوی جامعه دانشگاهی روبه‌رو شد. از یک سو، بسیاری از دانشجویان و خانواده‌ها این اقدام را در شرایط بحرانی منطقی ارزیابی کردند، اما از سوی دیگر، گروه قابل توجهی از دانشجویان به‌ویژه آنهایی که در آستانه فارغ‌التحصیلی یا دفاع از پایان‌نامه بودند، با اتهامات جدی درباره برنامه‌های آینده مواجه شدند. تعویق ناگهانی امتحانات، برنامه‌ریزی‌های تحصیلی و شغلی بسیاری از دانشجویان را دچار اختلال کرد.

هم‌زمان، این تصمیم چالش‌های جدیدی در حوزه خدمات رفاهی دانشجویان خوابگاهی ایجاد کرد. دانشجویان غیربومی که برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی، دوره‌های کارآموزی یا دفاع از پایان‌نامه نیاز به اسکان در خوابگاه داشتند، با محدودیت‌های ناگهانی مواجه شدند یا بسیاری از آنهایی که وسایل شخصی خود را در خوابگاه‌ها رها کرده بودند و اکنون با دستور تخلیه فوری روبه‌رو شده بودند، بیشترین چالش را داشتند.

اسکان محدود و خدمات ناقص

در میان این آشفتگی، برخی دانشگاه‌ها تدابیر خاصی برای اسکان دانشجویان در نظر گرفتند، اما این تدابیر اغلب با محدودیت‌های شدیدی همراه بود. دانشگاه‌های شریف و تهران اعلام کردند که فقط دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و دانشجویان کارشناسی که تا پایان تابستان فارغ‌التحصیل می‌شوند مجوز اسفاده از خوابگاه را دارند. با این حال، شرایط اسکان در این خوابگاه‌ها بسیار محدودکننده بود؛ تردد در دانشگاه شریف برای دانشجویان کارشناسی ممنوع و برای تحصیلات تکمیلی با محدودیت اعلام شد. همچنین حضور در دانشگاه فقط تا ساعت ۲۰ مجاز است و سلف‌های غذاخوری به طور کامل تعطیل بود. دانشجویان برای تأمین غذا ناگزیر به مراجعه به واحدهای آزاد هستند که این مسئله هزینه‌های زندگی آنها را به شکل قابل توجهی افزایش خواهد داد.

در دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی، فقط دانشجویان کارشناسی در شرف فارغ‌التحصیلی مجاز به گرفتن واحدهای تابستانی بودند، اما وضعیت خوابگاه‌ها هنوز به صورت شفاف اعلام نشده بود. در مقابل، دانشگاه علم و صنعت با سرعت عمل بیشتری توانست از ۹ تیرماه امکان اسکان دانشجویان غیربومی مشغول به پایان‌نامه یا کارآموزی را فراهم کند. دانشگاه بهشتی نیز به دانشجویان اجازه داد تا از ۸ تیرماه برای جمع‌آوری وسایل خود به خوابگاه‌ها مراجعه کنند.

با این حال، در دانشگاه‌های بزرگی مانند علامه طباطبائی، امیرکبیر و خوارزمی، اگرچه تاریخ امتحانات به شهریورماه موکول شده بود، اما اطلاعات دقیقی درباره وضعیت خوابگاه‌ها و خدمات رفاهی در اختیار دانشجویان قرار نگرفته است. این نبود شفافیت و برنامه‌ریزی یکپارچه در مجموعه دانشگاه، نگرانی‌های دانشجویان را روزبه‌روز تشدید می‌کرد.

از دست‌رفتن فرصت‌های شغلی تا فشار روانی

تعویق دفاع پایان‌نامه‌های دانشجویی که یکی از پیامدهای مستقیم این بحران بود، می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته باشد. بسیاری از این دانشجویان که برنامه‌ریزی دقیقی برای دفاع در ترم جاری داشتند، اکنون با تأخیر چندماهه در فارغ‌التحصیلی مواجه شده‌اند. این تأخیر می‌تواند فرصت‌های شغلی از پیش برنامه‌ریزی‌شده را از بین ببرد. از سوی دیگر، دانشجویانی که موفق به دریافت پذیرش از دانشگاه‌های خارجی شده بودند، ممکن است با مشکلات جدی در ثبت‌نام و شروع تحصیل مواجه شوند؛ چراکه اغلب دانشگاه‌های خارجی انعطاف چندانی در تغییر تاریخ شروع ترم ندارند. علاوه بر این، تعویق دفاع پایان‌نامه‌ها می‌تواند بر روند دریافت بورسیه‌های تحصیلی و فرصت‌های تحقیقاتی نیز تأثیر منفی بگذارد.

از بعد روانی نیز این تعویق ناخواسته فشار مضاعفی بر دانشجویان وارد کرده است. بسیاری از آنها که ماه‌ها برای آماده‌سازی پایان‌نامه تلاش کرده بودند، اکنون مجبورند در حالت انتظار بمانند و این نبود قطعیتی می‌تواند موجب کاهش انگیزه و افزایش استرس شود.

تعویق امتحانات تا شهریور و انتقال برنامه‌های آموزشی به ترم تابستانی، هرچند در شرایط بحرانی اقدامی ضروری بود، اما ناهماهنگی میان وزارت علوم و دانشگاه‌ها، فقدان اطلاع‌رسانی شفاف و محدودیت‌های رفاهی، فشار روانی مضاعفی بر دانشجویان وارد کرده است. بسیاری از آنها که در آستانه دفاع از پایان‌نامه یا شرکت در آزمون‌های مهم بودند، اکنون با آینده‌ای مبهم و شرایط دشوار خوابگاهی مواجه شده‌اند.

به نظر می‌رسد وزارت علوم و دانشگاه‌ها باید حدود خود را بازتعریف کنند. واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها و ارائه مشاوره در مورد اوضاع کلان دانشگاه‌ها و کشور از سمت وزارتخانه می‌تواند وضعیت دانشجویان را بهبود دهد. ارائه تسهیلات ویژه به دانشجویان مقاطع تکمیلی، شفاف‌سازی درمورد وضعیت خوابگاه‌ها و ایجاد سیستم پشتیبانی روانی می‌تواند به کاهش فشارهای واردشده بر جامعه دانشگاهی کمک کند؛ مسأله‌ای که در بلندمدت، قطعا بر کشور اثر خواهد گذاشت.

مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر کشور که زمانی از آن با عنوان «فرار مغزها» یاد می‌شد، حالا دیگر به روانی طبیعی و عادی تبدیل شده است. حالا هرقدر هم آمارش بالا برود، آن چنان تعجبی برنمی‌انگیزد. به عنوان مثال اندیشکده «هاتف» چند سال قبل در یک بررسی براساس داده‌های شبکه‌های اجتماعی (عدم‌تلا لینکدین) اعلام کرد که حداقل ۷۰ درصد رتبه‌های یک تا ۱۰۰ کنکور سراسری ریاضی-فیزیک سال‌های ۸۰ تا ۹۰ در حال حاضر در ایران زندگی نمی‌کنند (در مورد کنکور سال‌های ۸۷ و ۸۸ این آمار ۱۰۰ درصد بوده است). اما موضوع جدیدی که در سال‌های اخیر پایش را به نگرانی‌ها و دغدغه‌های مسئولان آموزش عالی کشور باز کرده، مهاجرت استادان دانشگاه‌های مطرح و بزرگ کشور است که تأثیر قابل توجهی روی آموزش عالی کشور دارد. اظهارنظر حسین سیمایی صراف، وزیر علوم دولت مسعود پزشکیان، در آذر سال قبل درباره مهاجرت استادان دانشگاه‌ها، بحث درباره این موضوع را بیشتر از قبل به رسانه‌ها کشاند. سیمایی صراف، همان موقع از آمار ۲۵درصدی مهاجرت استادان دانشگاه‌ها در چند سال اخیر خبر داد. البته صحبت از آمار مهاجرت استادان، به صورت پراکنده در بین اظهارنظرها و مصاحبه‌های سایر چهره‌های دانشگاهی هم به چشم می‌خورد. به عنوان مثال سعید سمنانیان، رئیس اسبق دانشگاه تربیت مدرس، در گفت‌وگویی در اسفند ۱۴۰۱ به جماران گفته بود که از ۷۰ استاد یک دانشکده از دانشگاه تهران، ۳۰ نفر مهاجرت کرده‌اند. با معرود تجربی‌شی، عضو هیئت‌علمی دانشکده مهندسی عمران دانشگاه شریف در گفت‌وگویی با تسنیم در دی‌ماه ۱۴۰۳ این‌جمله را نقل کرد: «در دانشکده خودمان، یعنی عمران، دیدم که تنها در سال گذشته، هشت نفر از اعضای هیئت‌علمی رفته‌اند. این آمار یعنی دانشگاه دارد خالی می‌شود! الان که من دارم با شما صحبت می‌کنم تعداد اعضای هیئت‌علمی ما به ۲۰ سال پیش برگشته است. ما داریم راجع به ۳۴۰ نفر صحبت می‌کنیم، نه آن ۵۰۰ نفری که سایت دانشگاه شریف اسم‌شان را با احتساب افراد بازنشسته گذاشته است». مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور هم در گزارشی که سال ۱۴۰۲ منتشر کرده، از آمار ۰.۶۲، ۰.۰۸۳ و ۰.۰۶۲درصدی مهاجرت استادان دانشگاهی در سال‌های ۹۸، ۹۹ و ۹۹ سخن گفته؛ اعدادی که در ظاهر کوچک است، اما اگر توجه کنیم که معمولا استادان دانشگاه‌های برتر کشور راه مهاجرت را در پیش می‌گیرند، اما این درصد همه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور را در مخرجش به حساب آورده، آن‌وقت وخامت مفهوم پشت این درصد ظاهرا کوچک بیشتر مشخص می‌شود.

دانشگاه خالی می‌شود

«شریف»، سرآمد دانشگاه‌های ایران در حوزه فنی و مهندسی به حساب می‌آید. دانشگاهی که هر سال رتبه‌های برتر کنکور ریاضی-فیزیک دانشکده‌های مختلف آن را برای تحصیل انتخاب می‌کند و در رتبه‌بندی‌های جهانی هم معمولا نسبت به سایر دانشگاه‌های ایران، حداقل در حوزه فنی و مهندسی حرف بیشتری برای گفتن دارد. شریف در چند سال اخیر شاهد موج رو به گسترشی از مهاجرت اعضای هیئت‌علمی‌اش بوده و هرچند آمار رسمی از این مهاجرت منتشر نشده، اما در گوشه و کنار و در لابه‌لای اظهارنظرها و مصاحبه‌های مسئولان و استادانش، اشاره‌هایی به این خالی‌شدن دانشگاه از استادان به گوش می‌رسد. آبان سال قبل، محمدرضا هرمزی‌نژاد، مدیر امور پژوهشی داشگاه صنعتی شریف در گفت‌وگو با اسپنا، با اشاره به مهاجرت یا مرخصی بدون حقوق «تعداد نسبتا زیادی» از همکاران عضو هیئت‌علمی این دانشگاه، این را هم اضافه کرد: «استادانی که از دانشگاه صنعتی شریف مهاجرت دائم یا موقت می‌کنند، افرادی بسیار فعال از نظر پژوهشی به شمار می‌روند؛ چراکه کشور‌های خارجی استادان درجه دوم و سوم را استخدام نمی‌کنند و دنبال استخدام نخبگان هستند». به عنوان مثال، وحید حسینی، استاد سابق دانشکده مهندسی مکانیک شریف که حالا در دانشگاه Simon Fraser کانادا مشغول فعالیت است، زمانی که در ایران بود به دلیل پروژه‌های تحقیقاتی‌اش در زمینه آلودگی هوا شناخته می‌شد. او مدتی دبیر کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا در سازمان حفاظت محیط زیست بود و همچنین بین سال‌های ۹۲ تا ۹۷ مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، یا محمدعلی مداح، استاد سابق دانشکده مهندسی برق شریف، از جمله محققان پیشرو در زمینه فناوری بلاک‌چین به حساب می‌آید و در کارنامه کاری‌اش هم مدیریت آزمایشگاه بلاک‌چین دانشگاه دیده می‌شود و هم ریاست کارگروه بلاک‌چین ستاد اقتصاد دیجیتال معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری. او در حال حاضر به عنوان استاد در دانشگاه Minnesota آمریکا به سر می‌برد.

در مراسم پنجمین سالگرد تأسیس بنیاد حامیان دانشگاه صنعتی شریف که دی‌ماه سال گذشته برگزار شد، ترجیع‌بند ثابت حرف‌های رئیس و دیگر مسئولان دانشگاه، نگرانی از رفتن هفتگی و ماهانه استادانی بود که در قالب فرصت مطالعاتی یا مرخصی بدون حقوق دانشگاه را به مقصد کشورهای دیگر ترک می‌کنند و دست‌دانشگاه را هم در زمینه آموزش دانشجویان و هم در زمینه پژوهش و پروژه‌های صنعتی خالی می‌گذارند.

در زمینه مهاجرت استادان دانشگاه‌ها، غیر از چند عدد تقریبی و تخمینی که به آنها اشاره شد، آمار رسمی دیگری منتشر نشده است. این فقدان آمار تا حدی به این دلیل است که ناشی می‌شود که استادان مهاجرت‌کرده، در برخی موارد همکاری‌شان را به صورت رسمی با دانشگاه قطع نمی‌کنند و حتی اسم‌شان در وب‌سایت رسمی دانشگاه و دانسکده‌ها همچنان ثبت شده، اما دیگر در دفتر کارشان در دانشکده و سر کلاس‌های دانشگاه حضور ندارند و در قالب فرصت مطالعاتی یا مرخصی‌های بدون حقوق، در دانشگاه یا شرکت‌های فناوری خارج از ایران مشغول به کار شده‌اند. جدول زیر که براساس اطلاعات درج‌شده در صفحه لینکدین برخی استادان دانشگاه صنعتی شریف تهیه شده، فقط درصدی از مهاجرت

گزارش «شرق» از ماجرای مهاجرت استادان دانشگاه صنعتی شریف به خارج از کشور

چه کسانی از دانشگاه رفتند؟

محمدجواد شاکر آرائی

استادان این دانشگاه در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد، در حالی که دیگر استادان مهاجرت‌کرده ممکن است صفحه لینکدین فعالی نداشته باشند یا فعلا ترجیح بدهند اطلاعات آن را به‌روز نکنند. حتی برخی از نام‌های ذکرشده در این جدول نیز طبق اطلاعات صفحه لینکدین همچنان با دانشگاه‌شان در ایران همکاری دارند، اما هم‌زمان از فعالیت‌شان در دانشگاه یا شرکتی خارجی هم گفته و محل زندگی‌شان هم جایی غیر از ایران ثبت شده و از طرفی حضوری در دانشگاه و دانشکده‌شان هم ندارند. حتی اگر این استادان در مرخصی به سر ببرند، مرخصی‌شان یک مرخصی طولانی‌مدت شده و در شرایطی که شریف از نظر نسبت استاد به دانشجو از استانداردهای جهانی به مراتب آمار پایین‌تری را ثبت کرده و حتی در ارائه درس‌های دانشگاهی هم به خاطر کمبود استاد، با محدودیت مواجه است، این مرخصی‌ها فرق چندانی با مهاجرت کامل برای دانشگاه ندارد. نکته دیگر درباره این جدول هم تقریبی‌بودن زمان‌های عنوان‌شده در آن براساس اطلاعات صفحه لینکدین است؛ استاد است که ممکن است با واقعیت زمان رفتن آنها از ایران مقداری متفاوت باشد.

چرا می‌روند؟

سیمایی صراف، وزیر علوم، همان زمان که از مهاجرت ۲۵درصدی استادان دانشگاهی در چند سال اخیر گفت، مهم‌ترین عامل آن را عوامل اقتصادی معرفی کرد. یک استاد جوان که تازه وارد دانشگاهی مثل شریف یا دیگر دانشگاه‌های مطرح تهران می‌شود، در بدو ورود دریافتی‌اش فقط حدود ۲۰ میلیون تومان است و بعد از پنج سال این دریافتی به حدود ۳۰ میلیون تومان می‌رسد. مقایسه این دریافتی با مخارج زندگی یک خانواده عادی در تهران کافی است تا مشخص شود چرا یک استاد جوان که در دانشگاه‌های سطح اول دنیا تحصیل کرده و بعد از فراغت از تحصیل به ایران بازگشته، چند سالی که می‌گذرد، مجبور می‌شود برای تأمین معیشتش دوباره بار سفر ببندد و راهی دانشگاه‌های کشورهای دیگر شود؛ از دانشگاه‌های اروپا و آمریکای شمالی و چین و استرالیا تا دانشگاه‌های کشورهای همسایه و منطقه که در آنها حقوقی بین چهار تا هفت هزار دلار در ماه منتظرش است. باید در نظر داشت که استادان جوان و تازه‌وارد دانشگاه‌های مطرح تهران، از یک طرف تحت فشار زیاد نظام دانشگاهی برای

انتشار مقاله هستند تا بتوانند بقا و ارتقای‌شان در آموزش عالی را تضمین کنند و از طرف دیگر، معمولا مسئولیت‌های اجرایی دانشکده هم روی دوش آنها می‌افتد، چراکه استادان باتجربه و پیش‌کسوت زیر بار قبول آنها نمی‌روند. به همین دلایل این استادان جوان معمولا فرصت و توان کافی برای کسب درآمد‌های غیر از درآمد دانشگاهی‌شان، از طریق پروژه‌های ارتباط با صنعت (برای استادان حوزه‌های فنی و مهندسی) یا اشتغال در شرکت‌های خصوصی و دولتی بیرون دانشگاه ندارند. هرچند اگر این فرصت و توان را هم داشته باشند، به دلیل تجربه و سابقه کمتر، شبکه ارتباطی نحیف‌تر و اعتبار ناشاس‌ترشان مانع آن می‌شود که به‌راحتی بتوانند درآمدی غیر از حقوق دانشگاه به حساب‌شان واریز شود.

اما مسائل و مشکلات معیشتی و اقتصادی، تنها عاملی نیست که برای مهاجرت استادان برتر دانشگاهی می‌توان برشمرد. ضعف امکانات پژوهشی و آزمایشگاهی که در عمل دست اسنادان، به‌ویژه استادان فنی و مهندسی را برای ادامه فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی‌ای که از زمان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های برتر دنیا دنبال کرده‌اند، می‌بندد، عامل مهم دیگری برای سوق‌دادن این اسنادان به ترک کشور است؛ چراکه اگر بخواهند کیفیت علمی خودشان را در قیاس با همکاران‌شان در دانشگاه‌های کشورهای دیگر حفظ کرده و فعالیت‌های علمی‌شان را با شکل و شمابلی مطلوب و استاندارد دنبال کنند، نیاز به تجهیزات و مواد آزمایشگاهی و تحقیقاتی مختلفی دارند، اما ضعف و فقر اقتصادی دانشگاه‌های ایران، دست در دست تحریم باعث می‌شود دسترسی به آنها مقدور نباشد.

فضای بسته در دانشگاه‌ها نیز نیروی محرک دیگری به سمت خارج از مرزهای ایران برای استادان دانشگاهی است. آرش ابازری، استاد سابق گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف و آرش رئیسی‌نژاد، استاد سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از جمله معروف‌ترین نمونه‌های استادانی هستند که به دلیل تسلط نگاه سیاسی، از دو دانشگاه برتر ایران کنار گذاشته شدند و در حال حاضر اولی استاد دانشگاه اموری آمریکااست و دومی در دانشگاه‌های هاروارد آمریکا و LSE انگلستان رفت‌وآمد دارد. در این میان اگر استاد دانشگاه که دوران تحصیل و تحقیقش را در خارج از ایران گذرانده، تابعیتی دوگانه هم داشته باشد که دیگر اوضاع برایش بغرنج‌تر است و نگاه امنیتی مضاعفی رویش سوار می‌شود و شرایط زندگی و کار و پژوهش را برایش سخت‌تر می‌کند.

فهرست جمع‌آوری‌شده از استادان مهاجرت‌کرده:				
ردیف	نام و نام خانوادگی	دانشکده	سابقه در دانشگاه صنعتی شریف	محل فعالیت فعلی
۱	عبدالرضا سیمچی(+)	مهندسی و علم مواد (+)	۲۲ سال	موسسم‌پژوهشی فرانهورفر آلمان
۲	حمیدرضا آربین(+)	مدیریت و اقتصاد	۵ سال	دانشگاه یورک کانادا
۳	امیر صفدریان(+)	مهندسی برق(+و+)	۸ سال	شرکت Volvo فنلاند
۴	علی قاضی‌زاده احسانی(+)	مهندسی برق(+)	۵ سال	دانشگاه کملمبیای آمریکا
۵	مجتبی تفاق(+)	علوم ریاضی(+)	۳ سال	دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند
۶	امین خوامی(+)	مهندسی برق(+)	۹ سال	شرکت flexcompute آمریکا
۷	امین رضایی‌زاده(+)	مهندسی برق(+)	۶ سال	دانشگاه علوم کاربردی شمال غربی سوئیس
۸	علی حکاکی‌فرد(+)	مهندسی مکانیک(+)	۶ سال	دانشگاه Laval در کانادا(+)
۹	عباس حیدرنوری(+)	مهندسی کامپیوتر(+)	۱۰ سال	دانشگاه Bowling Green آمریکا
۱۰	نیما اسدیان(+)	مهندسی هوافضا(+)	۱۲ سال	آزمایشگاه UTIAS در Space Flight کانادا
۱۱	علی‌محمدنسیمی(+)	شیمی	۵ سال	شرکت WOWA کانادا
۱۲	مehتاب میرمحسنی(+)	مهندسی برق(+)	۷ سال	دانشگاه Surrey انگلستان
۱۳	محمدعلی مداح(+)	مهندسی برق(+)	۱۴۰۰	دانشگاه Minnesota آمریکا
۱۴	وحید حسینی(+)	مهندسی مکانیک(+)	۱۰ سال	دانشگاه Simon Fraser کانادا
۱۵	مایر صالح کلپیر(+)	مهندسی برق(+)	۲ سال	دانشگاه leiden هلند
۱۶	امید فتاحی ولیلانی(+)	مهندسی صنایع(+)	۷ سال	دانشگاه Constructor آلمان
۱۷	امین نوبختی(+)	مهندسی برق(+)		شرکت Algenie Limited انگلستان
۱۸	امین امین‌زاده گوهری	مهندسی برق(+)		دانشگاه چین هنگ‌کنگ(CUHK)(+)
۱۹	وحید تقی‌خانی(+)	مهندسی شیمی و نفت(+)		دانشگاه سنت‌توماس آمریکا
۲۰	مهدی گیامهر(+)	مدیریت و اقتصاد(+و+)		شرکت One آمریکا
۲۱	ماریار گودرزی(+)	مهندسی کامپیوتر(+)		شاخه کانادای شرکت هواوی
۲۲	نعیمه تاصیری طاهری(+)	فیزیک(+)	۹ سال	دانشگاه Monash استرالیا
۲۳	مهدی نجفی(+)	مهندسی صنایع(+)	۵ سال	دانشگاه Trent کانادا
۲۴	امین‌قاسم صفریان(+)	مهندسی برق(+)	۴ سال	شرکت Broadcom آمریکا
۲۵	ناصر سلماسی(+)	مهندسی صنایع	۹ سال	شرکت Simple Rose آمریکا
۲۶	میرعباس جلالی(+)	مهندسی مکانیک(+)	۹ سال	شرکت هوافضایی Joby Aviation
۲۷	مسعود آریان‌پور(+)	مهندسی مکانیک(+)		شرکت Farasis Energy آمریکا

آموزش عالی

نتیجه دانشگاه ضعیف؟

ژاله حساس خواه ، عضو شورای مرکزی کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران: در میان ویرانی‌هایی که قرن بیستم تجربه کرد، «هانا آرنت» با دقتی بی‌نظیر، خطر فروپاشی نهادهایی را گوشزد می‌کرد که بدون آنها، زندگی انسانی در معنای عمیقش ناممکن می‌شود: اندیشه، داوری و کشش. بیره نیست که بگوییم اگر آرنت امروز در ایران بود، بی‌تردید با اضطراب از دانشگاه‌هایی سخن می‌گفت که نه‌فقط مامسن دانش که میدان نبرد حقیقت با قدرت شنبده‌اند، در حالی‌که دولت چهاردهم با شعار بازگشت به عقلانیت، پایان انزوا و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان آغاز به کار کرد، روند انتضابات دانشگاهی در آن پیش از هر زمان دیگر با روح عقلانیت علمی و اصول شایسته‌سالاری در تعارض است. رئیس‌جمهوری که خود سال‌ها در دانشگاه زیسته و از بدنه علمی کشور برخاسته است، اکنون در برابر فرایندی قرار دارد که نه‌تنها استقلال دانشگاه را تهدید می‌کند بلکه امید نخبگان به بهبود اوضاع را نیز به ورطه یاس کشانده است. گزارش‌های متعدد از حذف اساتدان شایسته، نادیده‌گرفتن رأی اعضای هیئت‌علمی در انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و دخالت نهادهای بیرونی و غیرتخصصی در تعیین ترکیب هیئت امانا، نشان می‌دهد که روندی گسترده در حال شکل‌گیری است که در آن، دانشگاه دیگر نه محل تبادل آزاد اندیشه، که میدان اعمال قدرت‌های غیرپاش‌گو شده است.

این روند هزینه‌های سنگینی برای اقتصاد داشت؛ هزینه‌هایی که صرفا اقتصادی یا سیاسی نیستند، بلکه هویتی و تمدنی‌اند. مطابق آمارهای رسمی منتشرشده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس و بنیاد ملی نخبگان، ایران در یک دهه اخیر در زمره سه کشور اول جهان در زمینه مهاجرت نخبگان قرار گرفته است. برآوردها حاکی از آن است که هر نخبه مهاجرت‌کرده، بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون دلار زسان سرمایه انسانی برای کشور همراه دارد. این آمار، زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از این افراد نه در جست‌وجوی رفاه، که در پی فضایی برای اندیشیدن، گفت‌وگو و پیشرفت مهاجرت می‌کنند؛ همان چیزهایی که در دانشگاه امروز ایران، به‌سختی یافت می‌شود. هم‌زمان با این روند، رتبه علمی دانشگاه‌های ایران نیز رو به افول گذاشته است. دانشگاه تهران که در سال ۲۰۱۶ در رتبه‌ای زیر ۵۰۰ جهانی قرار داشت، طبق رتبه‌بندی‌های جدید QS و Times، در سال ۲۰۲۴ به رتبه‌ای بالاتر از ۷۰۰ سقوط کرده است.

فرسایش امید در میان استادان نیز محسوس است. استادانی که سال‌ها در کلاس درس و آزمایشگاه برای تربیت نسل آینده تلاش کرده‌اند، امروز با حقوقی معادل کمتر از ۴۰۰ دلار در ماه (رقمی به‌مراتب پایین‌تر از میانگین منطقه) و در فضایی شراش‌ر بی‌ثباتی شغلی و اجار به حضور در دوره‌های غیرعلمی و ایدئولوژیک، نه انگیزه‌ای برای تولید علم دارند و نه امنیتی برای برنامه‌ریزی پژوهشی بلندمدت. دانشگاه فقط نامی بر سردر یک ساختمان نیست؛ نهاد حافظ عقلانیت ملی است. آینده کشور‌ها نه در منابع ریززمینی، بلکه در نهادهای علمی آنها ساخته می‌شود. کشورهایی که در رقابت جهانی باقی مانده‌اند، کشورهایی‌اند که توانسته‌اند دانشگاه‌های خود را از دخالت‌های غیرعلمی برهانند و به مأمنی برای تفکر، لقاقت و پژوهش کاربردی تبدیل کنند. اگر روند فعلی ادامه یابد، ایران نه‌تنها در برابر رقبای منطقه‌ای مانند عربستان و امارات، که در برابر کشورهای درحال‌توسعه نیز عقب خواهد ماند.

نجات دانشگاه صرفا یک ضرورت صنفی یا دانشگاهی نیست؛ یک اولویت راهبردی برای بقا و پیشرفت ایران است. امروز، بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به اصول شایسته‌سالاری، احترام به رای اعضای هیئت‌علمی، حذف دخالت نهادهای فراقانونی از فرایندهای مدیریتی، بهبود معیشت استادان و احیای اعتماد عمومی به دانشگاه هستیم. اگر این روند اصلاح نشود، نه‌فقط نسل امروز، بلکه نسل‌های آینده نیز تاوان خاموشی دانشگاه را خواهند داد. معادله دانشگاه ضعیف، کشور ضعیف، یک معادله ساده و بی‌رحم است. تصمیم با کسانی است که امروز مسئولیت دارند. ما، استادان، دانشجویان و دلسوزان آموزش عالی، هنوز برای گفت‌وگو آماده‌ام. اما آیا کسی در آن‌سو صدای ما را خواهد شنید؟